

ناودان

شماره ۴

عکاسی تبلیغاتی؛ ابزارها و رویکردها



نشریه دلخای انجمن عکاسان صنعتی تبلیغاتی و معماری
شماره ۴، تابستان ۱۴۵۴

فهرست مطالب

- سخن سردبیر: مهدی فناطوی نژاد – صفحه ۱
سرمقاله : دکتر محمد مهدی رحیمیان – صفحه ۳
انظار شناسی : روزبه ملکی – صفحه ۷
پرونده ویژه : علی نجابت پاشا اسفهانلی – صفحه ۱۱
راهنمای عملی : حامد فضل اللهی – صفحه ۱۹
مستندچه تخصصی : علیرضا فانی – صفحه ۲۷
آموزش ویرایش : ساسان پناهی وحید – صفحه ۳۱
مطالعه موردی : کیوان بهبهانی – صفحه ۳۹
گزارش ویژه : دکتر محمد خدادادی مترجم زاده – صفحه ۴۵
نگاهی به تاریخ : سام غشغری – صفحه ۵۱

خواهی سیاست گذاری

مهدی فناطوی نژاد، سید سام غشغری، روزبه ملکی، سروش کیایی

سردبیر

مهدی فناطوی نژاد

سرمقاله

دکتر محمد مهدی رحیمیان

هیئت تحریریه

دکتر محمد خدادادی مترجم زاده، علی نجابت پاشا اسفهانلی، روزبه ملکی، سید سام غشغری، ساسان پناهی وحید، امیرال امین نیا، حامد فضل اللهی

چراغدار

آتنا نعمادین

مراجره گرافیک

نار غلامیانی

کتاب‌های ویژه

کشفی سرآغاز خدایی است .^۴


 پتر لیندبرگ، عکاس، کای پونمان^۳

درباره پتر لیندبرگ^۱ (۱۹۴۴ - ۲۰۱۹ میلادی)

(عکاس متفاوت قد و سبور مدل‌ها)

محمد خدادادی مترجم‌آده^۲

اکثر زیبایی و زیبایی **افزوده و اسر آرمانی** را از ره‌آورد‌های عکاسی‌شد تبلیغاتی در دوران مدزن به‌حساب آوریم. آنگاه می‌بایست آثار چند عکاس میانه‌ی قرن بیستم به‌بعد را از این دست‌مجمدهی متمایز کنیم. ویلیام گلین^۵، کای بوردین^۶، هلموت نیوتن^۷، ریچارد اودن^۸، هانس فیورر^۹، ماریو تستینو^{۱۰} و پتر لیندبرگ^{۱۱} و البته‌تنی چند از عکاسان دیگر، تعاریف و مرزهای متعارف زیبایی (به‌ویژه زیبایی زنانه) را با آثار خود جای‌جا کرده‌اند. از عکاسی تبلیغاتی در خیابان و میان مردم و محیط‌های کارگری گرفته تا عکاسی در حالت‌های متعارف و بدون آرایش، بدون فخر و شوی، و نهایتاً عکاسی از سوپر مدل‌هایی^{۱۱} که ارزش تصاویر آن‌ها ملهم از زیبایی‌شناسی پتر طوطراق و پز تکلف، اصطلاحاً هالیوودی^{۱۲} نبود، بلکه بیشتر بر نگاه پرسشگر و سرکش و ماجراجوی آنان متکی بود.

پتر لیندبرگ، با عکاسی از زنان برتر در عرصه‌ی تپ برای مجله‌ی انگلیسی‌وگ^{۱۳} در سال‌های آغازین دهه‌ی «۱۹۹۰ میلادی، به موزترین شکل ممکن مدل‌های عکاسی خود را نمایش داد. سیاه و سفید، ولائع‌گرا، مینی‌مالیستی و البته غیر متعارف.

مسیر پی‌موده‌شده توسط لیندبرگ عکاسی در دوران کاری او نه ساده و نه صرفاً تجاری بوده است. شاید او را بتوان عکاس تبلیغاتی در حوزه‌ی قد قلمداد کرد (که



دکتر محمد خدادادی مترجم رادو


 اسنل اندور^{۱۴}، کارن آکسندر^{۱۵}، راشل ویلیامز^{۱۶}، لیندا لوانجلیستا^{۱۷}، تاتیانا پاتینر^{۱۸}، کریستی تورلیکینون^{۱۹}، سائتا مونیکا^{۲۰} کالیفرنیا^{۲۱} ۱۹۸۸ میلادی

در واقع بخشی از معروفیت او نیز همین است چرا که عکاسی برای مجاهیلی چون وگ و هارپرز بازار^{۲۲} کار هر دوربین بدخستی نیست. اما شاید بتوان قریحه‌های شاعرانه و داستان‌گورا را از خلال مجموعه‌های فراوان عکاسی تشخیص داد و بتوان رگ‌های مشترکی بین مجموعه‌ی «داستان‌های ناگفته»^{۲۳} او، و مجموعه‌ی «راوی داستان»^{۲۴} عکاس انگلیسی‌تیم واکر^{۲۵} دریافت. هر دو عکاس معاصر هستند. اما هر یک با نگاه‌های متفاوت به مدل‌های انسانی می‌نگرند. یکی صریح و ولائع‌گرا و سیاه و سفید و دیگری حاشیه‌پر دگر و هرا و ولائع‌گرا و (رموما) رنگی. در عین حال تمرکز او بر موضوع زنان به‌ویژه در عرصه‌های اجتماعی و

خیابانی، کار و زندگی او را به آثار عکاس آمریکایی، گری وینوگرافد^{۲۶} بسیار نزدیک می‌کرداند. چاپ آثار این دو عکاس مشهور در کتاب عکسی با عنوان «زنان در خیابان» در سال ۲۰۱۷ گواه این همسویی و نزدیکی است.

پتر لیندبرگ سال ۱۹۴۴ میلادی در شهر لیسای^{۲۷} آلمان به دنیا آمد. کودکی خود را در شهر دویسبورگ^{۲۸} گذراند. او کار خود را با طراحی وینترن در سونیس شروع کرد و در سش را در رشته‌ی نقاشی آرد. در مدرسه‌ی کرفلد^{۲۹} شروع کرد و با آثار ولسان ونگوگ^{۳۰} و پرترنسکاری آشنا شد. پس از اتمام در س تحت تغییر



هنرمندان مفهومی ژوزف کسوت^{۳۱} و لورنس وینر^{۳۲} و دیگران اثر را گرفت و به تدریج‌آه‌تری در زمینه‌ی عکاسی و فیلم‌سازی پرداخت. هرچند سال‌ها بعد (۲۰۱۱ میلادی) در مصاحبه با ارم ساتز^{۳۳}، مخبر مرکز هنرهای معاصر پوئلز^{۳۴} در یکن می‌گوید: «شاید احمق به نظر برسم که همان مسیر هنر مفهومی را دنبال نکردم، من هنرمند بودن را کنار گذاشتم». او از سال ۱۹۷۱ بر عکاسی تمرکز کرد و با مدله‌ی «استرن»^{۳۵} همکاری شد. در آن سال‌ها آثار هنرمندان و خوانندگان و فیلم‌سازی چون، میکل میسر^{۳۶}، جوزف بوژ^{۳۷}، یاب دیلن^{۳۸}، ویم وندرس^{۳۹} و جیم جارموش^{۴۰} تأثیر عمیقی روی او گذاشتند. لیندبرگ یک‌کسال و نیم به‌صورت دستیار نزد هانس لوکس^{۴۱} به عکاسی تجاری پرداخت.

یکی از پاشا‌ها و دفعه‌های لیندبرگ در سال‌های آغازین کار حرفه‌اش موضوع هنری بودن یا نبودن عکاسی بود. عکاسی‌شد از طرفی، تابع سفارش تولیدکننده

و نگاه انتشاراتی است، و از طرفی تابع برخی اواصد عکاسی برتره است (که در مدارس هنری دنیا و در ایران) به‌طریق دیگری هنری آموزش داده می‌شوند. هرچند از نظر بسیاری از عکاسان آلمانی، هرودگی در ماهیت و افکردهای اجتماعی کار آنان چندان مهم نیست. کما این‌که برند و هیا باذر^{۴۲} به صراحت گفته‌اند که هدفشان بر عکاسی و تولید عکس تمرکز بوده و نه تولید اثر هنری. هرچند جهانپان آثار این دورا در زمره‌ی هنرمندان جامعه‌ی می‌کنند. با این وصف زنده‌ی کار حرفه‌ای لیندبرگ را می‌توان عکاسی‌شد تبلیغاتی دانست، هر چند سال‌ها بعد می‌گوید: «به من برجسب عکاسی‌شد نزیست».^{۴۳}

لیندبرگ در جریان مصاحبه با مارینا وینوریا باراوانی^{۴۴}، نویسنده و نمایشگرگان ایتالیایی (۲۰۱۵ میلادی)، در پاسخ به این‌که چگونه وارد وارد دنیا‌ی شدی؟ خاطر نشان می‌کند: «جلیقی وگ آمریکایی، صدام از من می‌خواست که با آنها کار کنم. اما قبول نمی‌کردم. اکنون که به گذشته می‌اندیشم، می‌بینم گشتن «نه» به آکسندر ایدرن من»^{۴۵} سردیور آن جمله کار جوسر لده‌ای بود. اما برایم اهمیتی نداشت. زیرا کلیشه‌ی تصویری زنان که توسط صنعت شد شکل گرفته بود برایم جای‌بیتی نداشت. آن‌ها چیزی بیش از بازتابی‌ی عرش برین و زنان زیبا و خوش‌ایاس که با سبک هایشان در خیابان پیضم هضم می‌زدند، نبودند. سپس، وقتی آنا وینتور^{۴۶} سردبیر شد و از من خواست برای روی جلد مجله عکس بگیرم، حس می‌کردم عکاسی‌شد می‌بایست سبک و روش خود را تغییر دهد. زمان آن رسیده بود که کلیشه‌های رایج را زیر سوال ببریم و به سمت بیان تصویری شکل خاصی از زیبایی برویم که بیشتر به شخصیت زنان مرتبط است تا توصیف کلیشه‌های مورد پسند آن روز‌ها. بنابراین، سبک جدیدی در پوشش زنان ایجاد کردم که به‌طایقی تصویری نمایان برای دهه «۱۹۹۰ میلادی پذیرفته‌شد. مدل‌های جوان بدون آرایش، با لباس‌های ساده – پیراهن‌های سفید، آنها زنان فوق‌العاده باهوش و متشخص هستند که دقیقاً می‌دانستند چگونه برای عکاسی حالت بگیرند. آنها با قرار دانهای اجتماعی رایج میانه‌ی نداشتند، و این موضع، کلبدی است برای درک آنچه آن‌زمان در حال تغییر بود».

لیندبرگ در باره‌ی مشترریان کارهای تبلیغاتی می‌گوید: «تاریخ هنر نشان می‌دهد، هنرمندان هرگز گستا آرد ندوده‌اند. زیرا همیشه به دلیل غر مالی در کارشان دچار محدود شده‌اند. حتی اگر‌ها به یک عکاس بسیار معروف باقی‌د، یک نفر (کارگردان، تدوینگر) به شما می‌گوید که چه کاری را انجام دهید. عکاس باید ایده و هدف داشته باشد. نه اینکه فقط روی شاتر کلیک کند. امروزه قدرت یک عکاس در مقاومت است. عکاسان باید مشتری را نند، اما در عین حال باید



برای «خودچیز زمانی» ۲۷



روی جلد کتاب داستان‌های گانه (۲۰۲۰ میلادی)

این را بگویند که در خود حرفه ای هستند. این بدان معناست که کارگردان یا تدوینگر باید به تخصص عکاس اعتماد کند. شاید در گذشته عکاسان اندکی ندانیدند. اما امروز اغلب عکاسان ایده‌مند هستند و این خارق‌العاده است. امروز عکاسان/هنرمندان می‌پایست بدون از دست دادن سبک شخصی خود کار کنند. دانستن این امر ضروری است که آنان عکاس هستند و نه کارمند. او در پاسخ به پرسشی در باره منابع الهام در کارش می‌گوید: «مفتمتا چیزهای زیادی وجود دارد که به من الهام می‌دهد. در نوجوانی وقتی یون کوک را کشف کردم صات و میوهت شدم. من عاشق رقص و هنر هستم. اما اغلب از چیزهایی که دوست ندارم بیش از چیزهایی که دوست دارم الهام می‌گیرم. راستش را بگویم، واقعاً نمی‌دانم بیشتر کارهایی را که انجام می‌دهم، چرا انجام می‌دهم. من احساس می‌کنم به ایجاد این تصاویر نیاز دارم. اما برای این کار دلیلی ندارم. من مطمئناً از عکس‌های ضد الهام نمی‌گیرم. بلکه از عکس‌های زمینه‌های دیگر الهام می‌گیرم.»

لیندبرگ در خلال مصاحبه‌ای در سال ۲۰۰۸ میلادی می‌گوید: «استفاده از عکس‌های سیاه و سفید برای خلق تصویر مدل‌ها بسیار مهم است. هر وقت سعی کردم از آن‌ها عکس رنگی بگیرم، چون زیبایی فرم‌شان عالی بود، عکس‌ها در نهایت شبیه تبلیغ‌های بد لوازم آرایشی می‌شدند، اما عکس سیاه و سفید جنبه تبلیغاتی عکس را کم می‌کند و جسی از واقعیت را با آن همراه می‌سازد.»

پرسش مهمی در کل دوره‌ی کاری لیندبرگ وجود دارد که چرا عمدتاً فعالیت حرفه‌ای عکاس بر زنان متمرکز است؟ او در مصاحبه با ماریا وینوریا باورانی (۲۰۱۵ میلادی) پاسخ می‌دهد: «من همواره زنان را بیش از مردان، دسیس‌نگر و مرموز و جذاب‌یافت‌م. اما دست آخر نمی‌توانم بیانیدیشم چرا از زنان بیشتر عکاسی می‌کنم. پروژه جدید او با عنوان: «تاسافت»، نمایانگر فصل نوآورانه دیگری در زمینه عکاسی ضد است. تاسافت یک «زمان سرایی» عکاسی از فراسوه‌های ضد است که در پس زمینه فرود سافتگی موجودات از فضایی رخ می‌دهد. مشغول فوول‌عاده زمینی است و با استفاده‌ی متفاوت از زیبایی عناصر نیز رقص و برق هالیوود دهه‌ی پنجاه میلادی، سینمای آلمانی فررنز لانگ^{۲۸} و سناریوهای آیت‌هنگر ریجلی است^{۲۹}.

او در این باره می‌گوید: «از ژانویه سال ۲۰۰۰ میلادی تصمیم گرفتم تغییر عمده‌ای را در مسیر کار خود بچیدم. آرم، به خودم گفتم وارد هزاره‌ی جدید شدیم و من تجربه‌ی کافی دارم. وقت آن است که به تجربه‌ی دیگری بپردازم و باز به عکاسی از نوع دیگری بازگشتم. تصمیم گرفتم مجموعه‌ای جدید را بسازم و در مرکز هنر مدرن یوتنر در پکن به نمایش در آورم». لیندبرگ برای اولین بار این عکس‌ها را به هم پیوست و سوبه‌ای از عکس‌های ضد معاصر را در قالب روایت تصویری در مقیاسی بزرگ برای نمایشگاه پکن شکل داد.



برای مجله‌ی وگ هلند (اکتبر ۲۰۱۶ میلادی)



تصویر روی جلد کتاب «ناشناخته» (۲۰۱۱ میلادی)

آخرین نکته این‌که تهیه‌ی فهرست کاملی از کتاب عکس‌ها و نمایشگاه‌ها و عکس‌های چاپ شده در مجله‌های معتبر و معروف صنعت ضد و مطالب مرتبط با پیتز لیندبرگ کار ساده‌ای نیست. حجم و تنوع زیاد آثار او از عکس و سترپوئی تبلیغاتی و دست‌و‌پا‌ش‌ها حکلی از تلاش و ممارست خارق‌العاده و دیدگاه مدرنی هنرمند و تعهد او به انجام کار است. الهام موجود در بسیاری از آثار هنرمند جسی، غریب اما آشنا می‌آورند و می‌تواند مخاطب علاقه‌مند را شگفت‌ده نماید.



تصویر از کتاب «ناشناخته» (۲۰۱۱ میلادی)

چنان‌که گفته می‌شود: «شگفتی سرآغاز دانایی است».

فهرست منابع

پوهانسن آرام، ۱۳۹۶، پرس‌پ‌ش‌ها و تفاوت‌های هیکور و حالت انسانی در عکس، خیرابی و نقد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مکتب، دانشگاه هنر ایران.
Lindbergh Peter, 2011, The Unknown, A Schirmer/Mosel production.
Peter Lindbergh: A different Vision on Fashion Photography, September 2016.
<https://www.Lensculture.com>.
<http://www.Lindberghfashion.com>.

2- عضو هیأت علمی دانشگاه هنر ایران

1- Peter Lindbergh

3- استاد عکاسی دانشگاه علوم کاربردی و هنرهای دورنموند آلمان Kai Juenemann
4- برگرفته از عنوان گفتگوی پینر لیندبرگ و ژژم سائز در مقدمه‌ی کتاب عکس «دانشناخته، بخش چپی داستان»، ۲۰۱۱ میلادی.

5- William Klein

6- Guy Bourdin

7- Helmut Newton

8- Richard Avedon

9- Hans Feurer

10- Mario Testino

11- نگارنده عبارت مناسبی را به فارسی برای Super Models نیافت، عبارت مدل‌های برتر نیز شاید نتواند مفهوم غربی این عبارت را معنا کند.

12- Hollywood

13- Vogue

14- Estelle Lefebure

15- Karen Alexander

16- Rachel Williams

17- Linda Evangelista

18- Tatjana Patitz

19- Christy Turlington

20- Santa Monica

21- California

22- Harper's bazaar

23- Untold Stories

24- Story Teller

25- Tim Walker

26- Garry Winogrand

27- Lisa

28- Duisberg

29- Krefeld School

30- Vincent van Gogh

31- Joseph Kosuth

32- Lawrence Weiner

33- Jerome Sans

34- Ullens Center for Contemporary Art

35- Stern

36- Michael Heizer

37- Joseph Beuys

38- Bob Dylan

39- Wim Wenders

40- Jim Jarmusch

41- Hans Lux

42- Bernd and Hilla Becher

43- لیندبرگ این موضوع را در جریان مصاحبه با ماریا ویتوریا باراوانی نویسنده و نمایشگاه‌گردان ایتالیایی سال ۲۰۱۵ میلادی می‌گوید.

44- Maria Vittoria Baravelli

45- Alexander Liberman

46- Anna Wintour

47- Giorgio Armani

48- Fritz Lang

49- Orson Welles

50- Ridley Scott